

نشست نود و یکم - حرمت داری ماه رجب

بسم الله الرحمن الرحيم

چند موضوع اولیه می خواهیم بگویم که خیلی طولانی است؛ آن قدر که اتفاقات خوب در این ماه بوده، هست و در پیش رو داریم. با توجه به این که جلسه ما ماهیانه است، جلسه بعد دیگر این مناسبت ها نیست. مثل خطبه های نماز جمعه است که می گویند در هفته پیش و هفته بعد چه خبر است. چند نکته است که نکته آخر آن کاملا در فضای سوره مبارکه یاسین می باشد. فکر می کنم این جلسه آخر سوره مبارکه یس باشد و کم کم می خواهیم با این سوره مبارکه وداع کنیم. البته وداع ما خداحافظی خیلی سفت و سخت نیست. زیارت وداع را هم اگر دیده باشید، خیلی هم خداحافظی نیست. جالب ترین این وداع ها، وداع با امیرالمومنین است که هی می رود و برمی گردد، نگاه می کند و ذکر می گوید؛ کلا نمی خواهد دل بکند. کلا زیارت نامه حضرت علی (ع) خیلی جالب و باشکوه است، مرحله دارد و برای هر مکانی ذکر دارد.

ایام رجب و اعتکاف

ابتدا می خواهیم در رابطه با ایام رجب و خصوصا اعتکاف نکاتی را بگویم. از فردا، در واقع از اذان مغرب امشب، کم کم یک عده ای می روند و معتکف می شوند. عده ای هم معتکف نمی شوند ولی لازم است که بدانند در این ایام چه خبر است. چون به هر دلیلی ممکن است آدم نتواند معتکف شود، ولی قرار نیست حواسش نباشد این روزها چه کارکردی در نظام عالم دارد.

ماه رجب، ماه حرام

خود ماه رجب، ماه حرام است. سه ماه حرام، ماه محرم و ماه های اطراف آن هستند؛ ماه رجب جدا از بقیه است. ماه حرام یعنی چی؟ یعنی آن زمان یک حرمتی غیر از حرمت زمان های دیگر دارد. در نظام عالم زمان ها حرمت دارند، یعنی بعضی زمان ها یک اتفاقاتی درش می افتد که این اتفاقات در زمان های دیگری نمی افتد. مثل شب قدر که یک اتفاقاتی در عالم می افتد: « تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ ». پس آن موقعیت برای یک کارهایی خیلی بهتر است. به این حرمت پیدا کردن می گویند. حرمت یعنی اینجا محل تحقق یک امری از جنس عالم ملکوت و معنویت است، لذا حفظ حریمش خیلی اهمیت دارد. اینکه یک ماهی، ماه حرام می شود و دیه در آن دوبرابر می شود، یعنی اساسا هر خطایی در این ماه انتظار نمی رود؛ چرا که این زمان توجه و یاد خداست. مکانی در نظر بگیرید، مثل آن است که در حرم دزدی می کند. حالا اگر دزد هم هستی، اینجا خان کرم است دیگر این کار را نکن. در این موقعیت ها خطا کردن خیلی اثرش در زندگی زیادتر است؛ چون آدم وقتی در کنار منبع نور است و نمی بیند، یعنی بینایی اش خیلی ضعیف است. از آن طرف هم اساسا توجه کردن به این موقعیت های زمانی و مکانی حرمت دار نیز خیلی در زندگی اثر دارد.

حرمت را در مورد انسان ها شاید بهتر متوجه بشویم؛ مثلاً آدم به هرکس که توهین بکند، به مادرش که دیگر توهین نمی کند. لات های قدیم هم در برابر مادرشان موش بودند و حرمت قائل می شدند.

عقلانیت در حریم داری است.

این حرمت قائل شدن ها موجب رشد انسان است و انسان را از ورطه هلاکت نجات می دهد. روضه اش را همه در ماه محرم شنیده ایم، حسب آن حرمتی که حضرت حر برای اباعبدالله و مادرشان قائل بودند، [نجات پیدا کرد]. در زندگی های الان دارند سعی می کنند حریم زدایی بکنند. این فرهنگی که، مادر چه کار کرده؟ من چرا باید حرمتش را نگه دارم؟ این خیلی بد است و قطعاً موجب پسرفت است.

اگر خواستید ببینید حرمت نگه داشتن چه ربطی به عقلانیت دارد، بچه و آدم بزرگ را ببینید. بچه نوزاد به دلیل نوزاد بودنش نسبت به اینکه اساساً کاری را انجام دهد یا ندهد، هیچ فهمی ندارد؛ اما بچه ها همینطور که بزرگ می شوند، به طور تکوینی در همه جای دنیا به بچه ها یک حریم هایی را گوش زد می کنید. مثلاً می گویند: «می خواهی دست بزنی به چیزی، اجازه بگیر!». چرا این را می گوئیم؟ چون حریم می فهمد. فهم حریم، معادل فهم شکوفایی عقلانیت در انسان است. انسان به اندازه ای که رشد می کند و عاقل می شود، حریم ها برایش مهم تر و بیشتر می شود. مثل بنده خدایی می شود که زیر کرسی پایش را دراز می کرد و قرآن می خواند، از علامه قاضی پرسیده بود که آقا اشکال ندارد؟ گفته بودند: نکنی بهتر است؛ یعنی زیر کرسی موقع قرآن خواندن در دراز کردن یا نکردن پا، حریم می فهمد. خیلی وقت ها ما دستگاه تفاوت این ها را نداریم؛ چه فرقی می کند شنبه یا یکشنبه؟ شنبه با یکشنبه، ماه رجب با شعبان و شب با روز فرق می کند. ایامی مثل رجب یا مکان های خاص مثل مسجد، این ها همه موقعیت هایی هستند که سطح حریم داری آدم را بالا ببرد. هرچقدر حریم داری ما آدم ها بالا تر برود، عقلانیت هم بیشتر شکوفا می شود. خدا این موقعیت ها را گذاشته که این نرم افزاز روی ما نصب شود و همینطور به روزرسانی شود.

یکی از آقایان علما تعریف می کردند: یک وقت رفته بودیم نجف یا خود نوفل لوشاتو، پیش حضرت امام، سه روزی مهمان امام بودم. دیدم هرجایی ما می خواهیم وارد یا خارج شویم، امام مرا مقدم می دارند و می گویند: «شما میهمان و مقدم هستید، بفرمایید». تا قرار شد سوار ماشین شویم، تا رسیدیم به ماشین امام درب را باز کرد خودش رفت نشست بعد به ما گفت بفرمایید. با خودم گفتم چطور ما مهمان بودیم، اینجا اینطوری شد؟ رسید به جایی که گفتم: «ببخشید آقا من یک سوال دارم؛ ما مهمان بودیم و همه جا ما را جلوتر فرستادید، چی شد در ماشین؟». گفتند: «درباره سوار شدن ماشین ادب این است که مهمان راحت تر باشد، پس من باید زودتر می رفتم و شما دوم سوار شوید که راحت تر سوار و پیاده شوید». تا این حد طرف فکر کرده به اینکه رعایت حریم مهمان اینجا کجاست؟ اصلاً می شود آدم هایی را داشته باشیم که به حریم تا این حد فکر می کنند؟ چقدر می توانید عقل یک انسان شکوفا شده باشد که تا اینجا فکر کند؟ پس اولین نکته اینکه ماه

رجب ماه حرام است، خواص مهم آن هم فهم همین حریم ها است که فکر می کنم خیلی مهم است. خدا انشالله همه ما را حریم دار هستیم، حریم دارتر بکند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم